

اعتبار معرفت‌شناختی عرف در اخلاق سینیوی

حسن محیطی اردکان

هیئت علمی گروه اخلاق دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

Mohiti@Maaref.ac.ir

چکیده

ظهور یا رواج اندیشه‌های عرف گرایانه در فضای اخلاق و پیامدهای اجتناب ناپذیر آن بر تعاملات انسانی و در نهایت سعادت حقیقی بشر، بررسی تحلیلی و انتقادی چنین رویکردهایی را می‌طلبد. مسئله عرف را از ابعاد گوناگون می‌توان بررسی کرد. پژوهش حاضر به هدف بازخوانی آراء حکمای اسلامی و با تمرکز بر بعد معرفت‌شناختی عرف، به تحلیل مستند و استنباط دیدگاه اندیشمند بزرگ جهان اسلام یعنی ابن‌سینا پرداخته است. حاصل تتبع در آثار و اندیشه‌های ابن‌سینا نفی تلازم باورها و اندیشه‌های عرفی از یک سو و دستیابی به واقعیت سعادت بخش اخلاقی از سوی دیگر است. تعابیر صریح ابن‌سینا که حاکی از احتمال کذب باورهای عرفی، فقدان اعتبار خاستگاه‌های باورهای عرفی، مشروط بودن باورهای عرفی، و ناسازگاری اعتبار مطلق باورهای عرفی با غایت اخلاق است بر نفی مطلق انگاری اعتبار عرف تأکید می‌کند. از منظر ابن‌سینا باورهای اخلاقی عرفی نظری اند و توجیه اخلاقی آنها نیازمند اقامه برهان است.

کلیدواژه‌ها: ابن‌سینا، عرف، باورهای عرفی، اعتبار معرفت‌شناختی، غایت اخلاق

میزان اعتبار عرف در ارزش اخلاقی یکی از مسائل فلسفه اخلاق به شمار می‌آید و به لحاظ معناشناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی قابل بحث و بررسی است. از میان اندیشه‌های مغرب زمین دیدگاه‌های متعددی نظیر جامعه‌گرایی و انواع مختلف قراردادگرایی قابل شمارش اند که عرف را به معانی مختلف نظیر فهم عمومی مردم یا آراء خردمندان و عقلا از حیثیت‌های گوناگون مورد گفتگو قرار داده‌اند. مسئله اعتبار عرف در جهان اسلام و در میان طیف‌های گوناگونی از اندیشمندان اسلامی نظیر اصولیان، فقهاء، منطقیان، حقوق دانان و فلاسفه، هر کدام از منظری خاص بررسی شده است. آنچه در مقاله پیش رو محل بحث قرار خواهد گرفت بررسی اعتبار معرفت‌شناختی عرف از منظر ابن‌سینا می‌باشد.

بررسی چنین مسئله‌ای بویژه در عصر حاضر از هر دو جنبه نظری و عملی برخوردار است؛ به جهت نظری مهم است زیرا وجود تعابیر مبهم یا مجمل و نیازمند تفسیر در تعابیر ابن‌سینا نظیر درج برخی گزاره‌های اخلاقی در ضمن مشهورات موجب برداشت ناصواب از اندیشه‌های حکمای اسلامی و در این پژوهش از اندیشه‌های ابن‌سینا شود. نمونه‌ای از چنین تفاسیری حتی در تقریر بزرگانی نظیر محقق اصفهانی و علامه محمدرضا مظفر نیز یافت می‌شود که تعبیر «لا عمد له الا الشهرة» که ابن‌سینا در اشارات به کار برده به «لاواقع لها وراء الشهرة» و نظیر آن تفسیر شده و نتیجه آن گونه‌ای مرجعیت بخشی به عرف در مقام ثبوت و نهایتاً در مقام اثبات به شمار می‌آید.^۱ بدیهی است پیشگیری از چنین خلطی می‌تواند از فواید بررسی چنین مسئله‌ای باشد. افزون بر این، فهم و تفسیر صحیح از اندیشه اندیشمندان بزرگ اسلامی و انعکاس در ست آن، کاری درخور و شایسته و موجب حفظ و ترویج اندیشه‌های اصیل است. همچنین، نفوذ و رواج دیدگاه‌های عرف‌گرایانه نسبی‌گرایانه در عصر حاضر، بررسی علمی و دقیق اندیشه‌های حکمای بزرگ اسلامی را برای رویارویی علمی می‌طلبد و از این جهت بررسی آراء بزرگان اسلامی و نقض و ابرام‌های ایشان ضروری می‌نماید.

علاوه بر ابعاد نظری، بررسی اعتبار معرفتی آراء عرفی در اخلاق از جهت عملی نیز حائز اهمیت است. روشن است که معتبر دانستن احکام عرفی به لحاظ معرفت‌شناختی، مراجعه به آراء عمومی را در شناخت خوبی و بدی و درستی و نادرستی کارها به رسمیت خواهد شناخت که البته میزان آن بسته به میزان اعتبار عرف ممکن است حداقلی یا حداکثری باشد. در این صورت فهم عرفی برای تشخیص ارزش‌های اخلاقی حجت خواهد بود و در عرض سایر منابع معرفتی قرار خواهد گرفت و چه بسا تقدم آن در تراحات اخلاقی بر سایر منابع معرفت اخلاقی موجه خواهد بود. بدیهی است چنین نتیجه‌ای تنزل اخلاقی جامعه اسلامی را به دنبال خواهد داشت و اخلاق آسمانی و معنویت‌گرا را به اخلاق زمینی و مادی نگر فرو خواهد کشاند؛ امری که به تدریج در جامعه اسلامی در حال گسترش است در حالیکه نه با آموزه‌های قرآن کریم به عنوان معتبرترین منبع نقلی سازگار است و نه با آراء حکمای اسلامی همخوان می‌باشد.^۲ البته

^۱ . اصفهانی، نهاية الدراية فی شرح الکفایة، ج ۲، ۳۱۸؛ مظفر، اصول فقه، ج ۱، ۲۰۷.

^۲ . محیطی، «ادله قرآنی عرف‌گرایان اثباتی در قلمرو اخلاق»، ۹۴-۱۰۱؛ همو، «توجیه گزاره‌های اخلاقی بر مبنای شهرت، معرفت اخلاقی»، ۱۳۹۴، ۲۰-۲۳.

استلزامات فوق به معنای بی ارزش بودن معرفت عرفی و برکنار داشتن آن از همه عرصه‌های اخلاقی نیست، بلکه لزوم تفکیک موضوعات اخلاقی، انواع عرف، توجیه معرفت عرفی و اموری از این دست را گوشزد می‌کند.

قلمرو این پژوهش محدود به آراء ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) است. وجه اهمیت آراء وی، چنانکه بر آشنایان با اندیشه‌های سترگ بوعلی سینا پوشیده نیست، اشارات راهگشای وی به چنین مسئله‌ای است؛ اشاراتی که از عصر پساسینوی مستمسک عالمان پس از ایشان نظیر محقق اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱ ق)، محمدرضا مظفر (۱۳۲۲-۱۳۸۳ ق)، علامه طباطبایی (ره) (۱۲۸۱-۱۳۶۰ ش) و سایر اندیشمندان قرار گرفته و منشأ تفسیرهای گوناگون برای چنین مسئله‌ای قرار گرفته و تقریرهای مختلفی از اندیشه اعتبارگرایی را موجب شده است. در هر صورت تعبیر و مواضع ابن سینا در این زمینه از بحث برانگیزترین تعبیر و مواضع بوده و از این جهت بررسی آراء وی افزون بر فهم آراء وی در ارزیابی دیدگاه‌های سایر اندیشمندان متأثر از ایشان نیز تأثیرگذار خواهد بود.

مسئله اعتبار معرفت شناختی عرف در اخلاق سینوی به تفصیل و با رویکرد پژوهش حاضر یعنی رویکرد تحلیلی و انتقادی بررسی نشده است. در برخی آثار نظیر مقاله «بررسی نسبت دیدگاه اخلاقی ابن سینا با واقع‌گرایی اخلاقی» به قلم تقی محدر، گرچه اصل بحث مشهورات یا به تعبیری عرف در نگاه ابن سینا به اجمال مطرح شده، اما جنبه هستی‌شناختی آن به بحث گذاشته شده و نه جنبه معرفت‌شناختی آن. در مقاله دیگری با عنوان «توجیه گزاره‌های اخلاقی بر مبنای شهرت» به نگارش حسن محیطی اردکان، مسئله به طور کلی و از منظر اندیشمندان مختلفی به بحث گذاشته و بر آراء ابن سینا و تحلیل آراء و شواهد و مستندات آثار وی تأکید و تمرکز نبوده است. همچنین در کتاب «نقش عرف در ارزش اخلاقی» از ایشان، به اعتبار معرفت‌شناختی عرف در اخلاق سینوی بسیار به اجمال و به صورت گذرا اشاره شده و تحلیل و بررسی جامعی در این باره صورت نگرفته است. از این رو پژوهش پیش رونده‌ستین پژوهشی به نظر می‌رسد که به بررسی ارزش معرفت شناختی عرف از منظر ابن سینا پرداخته و با این ساختار و تحلیل قرائن لفظی و غیرلفظی (مبانی فکری) ابن سینا سعی در تحلیل و بررسی مسئله مذکور دارد.

پس از روشن شدن اصل مسئله، اهمیت و پیشینه بحث به معناشناسی عرف خواهیم پرداخت تا پس از روشن شدن مقصود از مفهوم عرف، اعتبار معرفت‌شناختی آن از منظر ابن سینا را بررسییم.

معناشناسی عرف

واژه عرف در لغت به معنای معروف و شناخته شده،^۳ تابع و پشت سر هم بودن،^۴ احسان و نیکی،^۵ هر چیزی که نفس انسان آن را نیک

^۳. فراهیدی، العین، ذیل ماده عرف؛ ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده عرف.

^۴. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل ماده عرف.

^۵. ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده عرف؛ فیومی، المصباح المنیر، ذیل ماده عرف.

شمارد، بدان خو گیرد و آرامش یابد^۶ است. از منظر ابن فارس معانی ماده «ع رف» را می توان به دو معنای «تتابع و اتصال اجزای یک چیز» و «سکون و طمئینه» فروکاست.^۷

مفهوم عرف در علوم مختلف معانی اصطلاحی مختلفی به خود گرفته است. با قطع نظر از سایر علوم، این مفهوم در علم اخلاق و فلسفه اخلاق به دو صورت به کار رفته است: گاهی به فهم، باور، تصمیم، گفتار یا رفتاری اطلاق می شود که به صورت ارادی و مستمر توسط بیشتر افراد یک گروه تکرار می شود، خواه آن گروه کوچک باشد یا بزرگ، و خواه به قانون تبدیل شده باشد یا خیر. نتیجه تکرار زیاد یکی از امور فوق این است که موافقت ب آن ستایش دیگران را به دنبال دارد و مخالفت با آن نکوهش دیگران را به همراه خواهد داشت. گاه نیز به خود اکثریت افراد یک گروه، خواه کوچک باشد یا بزرگ، عرف گفته. عرف در پژوهش حاضر به فهم، باور، تصمیم (بنا)، گفتار یا رفتار مستمر و ارادی بیشتر افراد یک گروه یا خود افراد اطلاق می شود. مفهوم عرف در این اصطلاح فاقد عنا صری نظیر عقلانیت و متشرع بودن است و به صورت مطلق و به خودی خود دلالتی بر این امور ندارد و نسبت به این امور لایشرط است.^۸

عرف و مشهورات در اخلاق سینوی

مفهوم عرف در این پژوهش معادل معنایی شهرت یا مشهورات است که امثال ابن سینا در آثار خود بدان اشاره کرده اند و در برخی مواضع گزاره های اخلاقی را در ذیل آن مثال زده اند. به عنوان نمونه ابن سینا در تعبیر «فمن المشهورات ما یکون السبب فی شهرته تعلق المصلحة العامة به ... مثل قولهم: العدل يجب فعله، و الکذب لا يجب قوله»^۹ یا عبارت «تقولهم إن العدل جمیل، و إن الظلم قبیح، و إن شکر المنعم واجب. فإن هذه مشهورات مقبولة»^{۱۰} به مشهوری بودن گزاره های اخلاقی اشاره کرده است.

بنابراین مسئله پژوهش این است که آیا چنین فهم، باور، تصمیم، رفتار یا گفتاری که برخاسته از پذیرش عمومی است و صرفاً از پشتوانه آراء عمومی و شهرت بین مردم برخوردار است به لحاظ معرفت شناختی معتبر است و می توان اینگونه شناخت ها را به طور مطلق مبنای عمل اخلاقی قرار داد یا باید این دسته از معرفت ها را به طور مطلق بی اعتبار دانست یا راه تفصیل را باید ترجیح داد و تنها بخشی از چنین معرفت هایی را معتبر دانست و بخشی را بی اعتبار دانست.

نکته قابل توجه در طرح مسئله فوق این است که پیش فرض پژوهش عرفی بودن گزاره های اخلاقی نیست. نگارنده بر این باور است که

^۶. ازهری، معجم تهذیب اللغة، ذیل ماده عرف؛ ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده عرف.

^۷. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ذیل ماده عرف.

^۸. محیطی، نقش عرف در ارزش اخلاقی، ۲۶-۲۸؛ همو، «بررسی دلایل قرآنی عرف گرایان اثباتی»، ۹۱-۹۴.

^۹. ابن سینا، الشفاء، ۴۰.

^{۱۰}. ابن سینا، الشفاء، ۶۶.

ابن‌سینا در مقام ثبوت، گزاره‌های اخلاقی را عرفی نمی‌داند، بلکه اندیشه وی به دلیل معتقد بودن به واقعیت اخلاقی و واقع نما بودن گزاره‌های اخلاقی از زمره دیدگاه‌های رئالیستی و واقع‌گرایانه در حوزه هستی‌شناسی اخلاق به شمار می‌آید. بررسی ادله مدعای مذکور خارج از قلمرو پژوهش حاضر است، اما شواهد آن در دسترس می‌باشد.^{۱۱}

با فرض واقع‌گرایانه بودن اخلاق سینوی، موضوع بحث حاضر درباره رواج و شهرت گزاره‌های اخلاقی است. گزاره‌های اخلاقی که حاکی از باور اخلاقی اند نظیر سایر انواع گزاره‌ها و باورها معتقدات مردم را شکل می‌دهند. بحث پیش رو بر سر این مسئله است که آیا رواج و شهرت چنین باورهایی می‌تواند به لحاظ معرفت‌شناختی معتبر باشد؟

اعتبار معرفت‌شناختی

ارزش یا اعتبار معرفت عبارت است از میزان اعتمادپذیری معرفت برای فهم و کشف واقعیت. به تعبیر دیگر معرفت معتبر معرفتی است که برای فهم واقعیت می‌توان به آن اعتماد کرد و با آن واقعیت را کشف نمود. لازم به ذکر است که اعتبار معرفت‌ها ذو مراتب است و درجات مختلفی دارد؛ برخی معرفت‌ها کاملاً معتبرند و به صورت یقینی کاشف از واقعیت می‌باشند، اما برخی دیگر تا حدی کاشف از واقع اند و به همان میزان در خور اعتماد می‌باشند.^{۱۲} به تعبیر دیگر احتمال مطابقت با واقع در برخی معرفت‌ها صددرصد است و در برخی معارف کمتر از صد در صد. معرفت‌های نوع دوم نیز به لحاظ اعتبار بسیار با یکدیگر متفاوت اند و هر چه از معرفت یقینی دورتر باشند، احتمال معرفت‌شناختی آنها پایین تر خواهد بود.

بر این اساس زمانی که اعتبار معرفت‌شناختی عرف مورد سؤال است باید به چنین پرسش‌هایی درباره عرف پاسخ داد که آیا عرفی بودن یک باور یا معرفت با واقع نما بودن آنها تلازم داشته باشد یا خیر؟ و آیا به لحاظ معرفت‌شناختی می‌توان آنها را مطابق با واقع دانست؟ اگر چنین باورهایی مطابق با واقع اند به چه میزان با واقعیت تطابق دارند و چگونه می‌توان مطابقت آنها با واقع را نشان داد؟ و اگر با واقع مطابق نیستند دلیل یا ادله آن چه می‌تواند باشد؟

ادله نفی مطلق انگاری اعتبار عرف

در ادامه به ارائه شواهدی خواهیم پرداخت که اعتبار گزاره‌ها و باورهای عرفی را خدشه دار می‌کند و پرده از لزوم بررسی هر یک از این باورها به طور جداگانه برمی‌دارد. این شواهد که مستند به تعبیر صریح ابن‌سینا می‌باشند عبارتند از احتمال کذب باورهای عرفی، فقدان اعتبار خاستگاه باورهای عرفی، مشروط بودن صدق باورهای عرفی و تنافی اعتبار مطلق باورهای عرفی با غایت اخلاق. پس از

۱۱. محدر، «بررسی نسبت دیدگاه اخلاقی ابن‌سینا با واقع‌گرایی اخلاقی»، ۴۲-۴۵.

۱۲. مصباح و محمدی، معرفت‌شناسی (ویراست جدید)، ۳۱-۳۲.

تحلیل و بررسی شواهد مذکور، به بررسی اعتبار گزاره‌های عرفی اخص یعنی گزاره‌های عرفی ناظر به باورهای اخلاقی و توجیه معرفت‌شناختی باورهای مذکور از منظر ابن‌سینا خواهیم پرداخت.

الف) احتمال کذب باورهای عرفی

به عقیده ابن‌سینا مشهور بودن یک گزاره تلازمی با صدق آن ندارد و به تعبیری محتمل الکذب است. از این رو به میزان احتمال کذب، از اعتبار معرفت‌شناختی آن کاسته می‌شود. به دیگر سخن اینگونه نیست که تمام گزاره‌های عرفی صادق و مطابق با واقع نیز باشند، بلکه ممکن است برخی از این دسته گزاره‌ها مخالف واقع و به اصطلاح کاذب باشند. ابن‌سینا در موارد متعدد و با عبارات مختلفی نظیر مشهورات به امکان کذب گزاره‌های عرفی اشاره کرده است.

ایشان گاه مشهورات را به لحاظ تطابق با نفس الامر به دو قسم صادق و کاذب تقسیم کرده است مانند «هذه المشهورات قد يكون صادقة وقد يكون كاذبة»^{۱۳} و «المشهورات منها صادقة ومنها كاذبة».^{۱۴} ابن‌سینا در این عبارات به صراحت امکان کذب گزاره‌های عرفی را مطرح کرده است. همچنین ابن‌سینا تصریح کرده است که گزاره‌های عرفی ممکن است کاذب باشند، همانطوریکه قضایای شنیع (مخالف مشهورات) ممکن است حق و صادق باشند: «فرب شنیع حق ورب محمود كاذب».^{۱۵}

ابن‌سینا در تعبیر دیگری گزاره‌های عرفی را به سه دسته صادق، صادق مشروط و کاذب تقسیم کرده است: «ازین جمله، بعضی راست است، ... و بعضی دروغ است الا بشرطی، ... و بسیار مشهور بود که دروغ صرف بود».^{۱۶} وی در این دسته از تعبیر ضمن تصریح به دروغ صرف بودن برخی از باورهای عرفی، اعتبار دسته دیگری از چنین باورها و معرفت‌هایی را مشروط می‌داند. این تعبیر نشان می‌دهد که باورهای عرف به خودی خود نمی‌توانند معتبر باشند، بلکه اعتبار آن وابسته به امور و معارف دیگری است که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

شاهدی دیگر بر التفات ابن‌سینا به عدم مطلق انگاری اعتبار مشهورات یا باورهای عرفی تعبیری از وی است که در آن تلازم بین باور عرفی به قبیح بودن یک فعل و قبح واقعی آن به صراحت نفی شده است: «فإنّا إذا فعلنا مع أنفسنا ما رسمته و عرضنا هذه على الذّهن، .. و تكلفنا الشكّ أمكنّا أن نشكّ في تلك المشهورات و نقول: عساها

۱۳. ابن‌سینا، الاشارات و التنبیها، ۳۶ و ۲۲۰.

۱۴. همو، رسالة فی ما تقرر عنده من الحكومة، ۹۷؛ همو، القصيدة المزدوجة فی المنطق، ۱۴؛ همو، رسائل اخرى لابن‌سینا (هامش شرح الهدایة الاثریة)، ۲۱؛ همو، الشفاء، ۶۶؛ همو، عیون الحکمة، ۱۲.

۱۵. ابن‌سینا، الاشارات و التنبیها، ۳۶؛ همو، الشفاء، ۶۶.

۱۶. همو، رساله منطق دانش نامه علائی، ۱۲۱.

مستقبحة عند الناس و ليست في أنفسها بقبيحة».^{۱۷} تعبیر «فی أنفسها» در نقل قول مذکور چه به معنای «در واقع» باشد و چه به دلیل قرینه تقابل با «عند الناس» به معنای «با قطع نظر از نظر مردم» باشد، نافی تلازم بین باور عرفی و واقعیت نفس الامری است. تعبیری با این وضوح تردیدی در لزوم اعتبارسنجی باورهای عرفی پیش از عمل به آن باقی نمی گذارد.

ب) فقدان اعتبار خاستگاه باورهای عرفی

شاهد دیگری بر عدم اعتماد به عرف در نزد ابن سینا توجه به مبانی و مؤلفه های شکل گیری آراء عرفی است. روشن است که توجه به خاستگاه باورهای عرفی در تعیین اعتبار معرفت شناختی آنها تأثیرگذار است. ابن سینا به عوامل زیادی اشاره کرده که ممکن است در شکل گیری عرف تأثیرگذار باشند. به عقیده وی مصالح عمومی، خلیقات و انفعالات، عادات های فردی، آداب و رسوم و سنت های قدیمی، استقرا، معاشرت با دیگران و معرفت نسبت به ادیان و مذاهب در مشهور شدن یک گزاره نقش دارند.^{۱۸}

ابن سینا در برخی موارد به این نکته تصریح کرده است که ممکن است آراء عرفی و مشهور بین مردم مبتنی بر واقعیت نباشد و یا در برخی موارد حتی مخالف واقع باشد. وی بر این باور است که برخی مطالب حتی به دلیل ملائمت با نفس انسان مورد تصدیق قرار می گیرند و به تدریج مشهور می شوند. به عنوان نمونه اگر سخنی از فرد خوش بیان، موثق، متواضع و یا محبوب صادر شود، بیشتر قابل قبول است تا سخن افرادی که فاقد ویژگی های مزبورند و همین امر نیز ممکن است به رواج و پذیرش آن در میان مردم منجر شود، در حالیکه چنین مناسنی نمی تواند موجب اعتبار معرفت شناختی آن باشد. به باور ابن سینا، شهرت و رواج برخی گزاره ها به دلیل ابتدای آنها بر واقعیت نیست، بلکه خاستگاه آن سازگاری با اذهان و تناسب با تخیل افراد است. از نظر وی منشأ رواج برخی دیگر از گزاره های اخلاقی نیز تشابه با حق مشهور می شوند در حالی که در واقع مخالف حق اند: «فان التسليم و الشهرة ليسا مبنيين على الحقيقة، بل على حسب مناسبتهما للأذهان، وبحسب أصناف التخیل من الإنسان... و منها ما يحمل عليه مشاكته للحق، و مخالفته إياه بما لا يحس به الجمهور».^{۱۹}

در اینجا ممکن است به استناد برخی عبارات مانند عبارت زیر گفته شود که به عقیده ابن سینا شهرت گزاره های اخلاقی بیش از آنکه متأثر از عوامل غیر علمی باشد متأثر از مصالح و مفاسد عمومی است. تأثر از مصالح و مفاسد عمومی تضمین کننده اعتبار دیدگاه عرف است.

۱۷. ابن سینا، رسالة فی ما تقرر عنده من الحكومة، ۹۶.

۱۸. ابن سینا، النجاة فی الحکمة المنطقية و الطبيعية و الالهية، ۱۱۹؛ همو، الشفاء، ۶۵؛ همو، الاشارات و التنبيهات، ۳۶ و ۱۳۶؛ همو، رساله منطق دانش نامه علائی،

۱۲۱؛ همو، عیون الحکمة، ۱۲ و ۱۴؛ همو، رسائل اخرى لابن سینا (هامش شرح الهدایة الاثرية)، ۲۱؛ همو، رسالة فی ما تقرر عنده من الحكومة، ۹۶.

۱۹. همو، الشفاء، ۳۹-۴۰.

فمن المشهورات ما يكون السبب في شهرته تعلق المصلحة العامة به، وإجماع أرباب الملل عليه، قد
رآه متقدموهم ومتأخروهم، حتى إنها تبقى في الناس غير مستنده إلى أحد، و تصير شريعة غير
مكتوبة، و تجري عليها التربية و التأديب ؛ مثل قولهم: العدل يجب فعله ، و الكذب لا يجب قوله.^{۲۰}

در پاسخ به این مطلب اشاره به این نکته لازم است که وی تنها در یکی از آثار خود شهرت گزاره‌های اخلاقی را مبتنی بر مصالح و مفاسد عمومی و اجماع کرده است و در سایر آثار وی بین اسباب شهرت گزاره‌های اخلاقی و سایر مشهورات تفکیکی نشده است. افزون بر این، ممکن است ابتناء شهرت گزاره‌های اخلاقی بر مصالح و مفاسد عمومی مربوط به برخی از گزاره‌های اخلاقی باشد و نه همه آن‌ها. بنابراین حداکثر چیزی که می‌توان گفت- و شواهد آن پیش از این ارائه شد- این است که برخی از مشهورات در صورت اثبات صدق و مطابقت آن‌ها با واقع معتبرند و نه همه آن‌ها. در همین موارد نیز اثبات مطابقت باورهای عرفی با مصالح و مفاسد عمومی و مبتنی بر واقعیت اخلاقی بودن آن مصالح و مفاسد نیازمند برهان است که ابن سینا در مواضع دیگری بدان اشاره کرده و در بخش اعتبار باورهای اخلاقی عرفی به آن خواهیم پرداخت.

بر این اساس آراء رایج میان افراد جامعه تلازمی با صدق واقعی آن‌ها ندارد. نتیجه اعتمادناپذیری معرفت‌شناختی نسبت به خاستگاه باورهای عرفی نفی تلازم بین باورهای عرفی و یقین به مطابقت آن‌ها با واقع است و همین امر برای تردید در اعتبار مطلق باورهای عرفی کافی است. البته این بدان معنا نیست که هیچ یک از باورهای رایج در میان مردم به لحاظ معرفت‌شناختی معتبر نیستند، بلکه به این معناست که باورهای عرفی به خودی خود و صرفاً از آن جهت که رواج و شهرت یافته‌اند معتبر نیستند و حتی در صورت معتبر بودن، اعتبار خود را مدیون و مرهون سایر منابع معرفت‌شناختی معتبر می‌باشند. اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آن منابع معتبر که ممکن است در اعتباربخشی به باورهای عرفی مفید باشند کدام‌اند؟ ابن سینا در این باره توضیحاتی داده است که در ذیل سومین مستند دال بر عدم اعتبار مطلق باورهای عرفی بدان خواهیم پرداخت.

ج) مشروط بودن صدق باورهای عرفی

ابن سینا بارها به این نکته اشاره کرده که گاهی ممکن است گزاره‌ای مشروط به شرطی باشد که از نظر مردم مخفی بماند و مردم آن را به صورت مطلق تصدیق کنند، در حالی که در واقع آن گزاره مشروط به آن شرط صادق است. وی در دانشنامه علانی می‌نویسد: «سبب وی آن بود که: آنجا شرطی باریک بود که بدان شرط: حال- و حکم برگردد، و لیکن آن شرط باریک بود و عامه مردم نداند، پس همچنان بی

شرط بگیرد».^{۲۱} همچنین عبارات مشابهی در سایر آثار ایشان نظیر النجاة^{۲۲} و الشفاء (المنطق)^{۲۳} در این زمینه به چشم می‌خورد. بنابراین، شهرت یک گزاره به هیچ روی نمی‌تواند گویای تمام واقعیت باشد و به تعبیری در صورتی که صادق باشد معمولاً غیردقیق است.

مشروط بودن صدق باورهای عرفی که ابن‌سینا صراحتاً مطرح کرده دلیل دیگری است بر اینکه صرف مقبولیت اجتماعی یک باور ارزشی را نمی‌توان به لحاظ معرفت‌شناختی معتبر دانست و آن را مبنای عمل قرار داد، بلکه باید به دقت با بررسی دقیق و همه‌جانبه مسئله مورد نظر که مقبولیت نیز یافته، میزان انطباق آن را با واقعیات اخلاقی بررسی کرد و به همان میزان آن را معتبر دانست و مورد توجه قرار داد.

د) تنافی اعتبار مطلق باورهای عرفی با غایت اخلاق

دیدگاه اخلاقی ابن‌سینا در حوزه اخلاق هنجاری سعادت‌گرایانه است. به عقیده وی سعادت حقیقی ذاتاً مطلوب است و به اصطلاح ارزش ذاتی دارد^{۲۴} و ارزش سایر امور ارزش نیز غیروی و وابسته به ارتباط آنها با سعادت است.^{۲۵} تفسیر ابن‌سینا از سعادت با تبیین کمال قوای انسانی گره خورده کمال و سعادت نفوس انسانی نیز در گرو کمال قوه نظری و عملی است.^{۲۶} کمال عقل نظری به این است که با تجرد از ماده و لواحق مادی، به مرتبه عقل مستفاد برسد^{۲۷} و کمال عقل عملی به این است که با دوری از افراط و تفریط بر قوای شهوت و غضب استیلا و تسلط یابد: «فسعادة النفس فی کمال ذاتها من الجهة التي تخصها هو صيورتها عالماً عقلياً، و سعادتها من جهة العلاقة التي بينها وبين البدن أن يكون لها الهيئة الاستيلائية».^{۲۸}

این تبیین از سعادت که تبیین تفصیلی آن خارج از موضوع این پژوهش است و طرح دیدگاه هنجاری وی، تحقیق مستقلی را می‌طلبد، با مطلق دانستن اعتبار باورهای عرفی ناسازگار است، چراکه بین باورهای عرفی و تأمین چنین سعادت‌تی که حد قصوای آن سعادت اخروی

۲۱. ابن‌سینا، رساله منطق دانش نامه علائی، ۱۲۱.

۲۲. همو، النجاة، ۱۱۹.

۲۳. همو، الشفاء (المنطق)، البرهان، ۶۶.

۲۴. ابن‌سینا، «رسالة فی السعادة»، در رسائل الشيخ الرئيس، ۲۶۰.

۲۵. همان، ۲۶۱.

۲۶. همان، ص ۲۷۷؛ همو، «رسالة فی علم الأخلاق»، در المذهب التربوی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، ۳۶۹؛ همو، «رسالة فی البر والإثم»، در المذهب التربوی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، ۳۵۵.

۲۷. همو، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، ۶۸۶-۶۸۷؛ همو، الشفاء (الهیات)، ۴۲۵-۴۲۶؛ همو، المبدأ و المعاد، ۹۶-۱۰۰؛ همو، «رسالة فی أقسام العلوم العقلية»، در المذهب التربوی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، ۲۶۱؛ همو، «رسالة فی البر والإثم»، در المذهب التربوی عند ابن‌سینا من خلال فلسفته العملية، ۳۵۵.

۲۸. همو، المبدأ و المعاد، ۱۱۰؛ همو، «رسالة فی العهد» در تسع رسائل فی الحکمة و الطبیعیات، ۱۴۹.

است^{۲۹} تلازمی وجود ندارد و معتبر دانستن آن با مبانی فکری ابن سینا ناسازگار است. بنابراین لازم است با تفکیک باورهای عرفی از یکدیگر از حکم کلی درباره اعتبار همه آنها خودداری کرد و هر باوری را با توجه به احتمال صدق آن مورد قضاوت و داوری معرفت‌شناختی قرار داد.

اعتبار باورهای اخلاقی عرفی

تاکنون روشن شد که از نظر ابن سینا باورهای رایج در میان مردم لزوماً صادق و مطابق با واقع نیستند. این باورها ممکن است طیف وسیعی از موضوعات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فقهی، فلسفی، کلامی، نظامی و نظایر آن را شامل شود. از جمله باورهای رایج در میان مردم باورهای اخلاقی است. با توجه به نکات فوق چنین باورهایی نیز لزوماً صادق نیستند، بلکه صدق آن نیازمند دلیل و برهان است. در این باره ابن سینا، به صراحت بدیهی بودن گزاره‌های اخلاقی را رد کرده و بر نظری و برهان‌پذیری گزاره‌های اخلاقی - که در بین مردم رایج شده‌اند - تصریح کرده است. چنین تفسیری بر خلاف نظر برخی شارحان ابن سینا یعنی محقق لاهیجی و سبزواری است که به ضروری و بدیهی بودن گزاره‌های اخلاقی معتقدند و آراء ابن سینا را نیز بدین سان تفسیر کرده‌اند^{۳۰} و موافق تفسیر برخی دیگر از مفسران آراء ابن سینا نظیر آیت الله مصباح یزدی (ره) است که ابن سینا را معتقد به نظری و برهان‌پذیری گزاره‌های اخلاقی دانسته‌اند.^{۳۱}

ابن سینا در نفی بدهت گزاره‌های اخلاقی می‌نویسد: «فبعض هذا صادق لكنه ليس بدیهياً كما قد ظنه *كقولنا الظلم قبیح و الكذب* عار و ان العدل خیر مستحب».^{۳۲} ابن سینا در این تعبیر برخی از گزاره‌های اخلاقی مشهور را صادق و مطابق با واقع دانسته اما تصریح کرده که مطابقت گزاره‌های حاکی از قبح ظلم، ننگ و زشت بودن دروغ‌گویی و خیر بودن عدالت برخلاف گمان برخی، بدیهی نیست. وی در موضع دیگری نشان دادن صدق چنین گزاره‌هایی را که حاکی از باورهای مشهور بین مردم است را نیازمند حجت و برهان دانسته است:

كقولهم إن العدل جميل، و إن الظلم قبیح، و إن شكر المنعم واجب. فإن هذه مشهورات مقبولة، و إن كانت صادقة فصدقها ليس مما يتبين بفطرة العقل المنزل المنزل المذكورة، بل المشهورات هذه و أمثالها منها ما هو صادق و لكن يحتاج في أن يصير يقينا إلى حجة.^{۳۳}

همچنین در عبارت مشابه دیگری نیز ابن سینا موضع خود درباره نظری و برهانی بودن گزاره‌های اخلاقی عرفی را تکرار کرده است.^{۳۴}

^{۲۹} . همو، «رسالة في السعادة»، در رسائل الشيخ الرئيس، ۲۶۲-۲۶۳؛ همو، «الكشف عن ماهية الصلوة»، در الرسائل، ۳۰۳.

^{۳۰} . لاهیجی، سرمایه ایمان، ۶۰-۶۲؛ سبزواری، شرح الأسماء أو شرح دعاء الجوشن الكبير، ۳۲۱-۳۲۲.

^{۳۱} . مصباح یزدی، شرح برهان شفاء، ۱۳۰-۱۳۱.

^{۳۲} . ابن سینا، القصيدة المزدوجة في المنطق، ۱۴.

^{۳۳} . ابن سینا، الشفاء، ۶۶.

^{۳۴} . ابن سینا، رسائل اخرى لابن سینا (هامش شرح الهداية الاثيرة)، ۲۱.

نتیجه‌گیری

تعبیر مبهم، مجمل یا بررسی ناقص مواضع و تعبیر اندیشمندان اسلامی ممکن است تفسیر ناصواب از آراء و اندیشه‌های ایشان را به دنبال داشته باشد. همین موارد آراء ابن‌سینا را می‌تواند در معرض سوء برداشت و تفسیر قرار دهد. غیر واقع گرایانه دانستن دیدگاه اخلاقی ابن‌سینا یکی از مهمترین خاستگاه‌های عرفی دانستن اخلاقی سینوی است و رد چنین برداشتی که در پژوهش‌های سابق انجام گرفته بطلان استنتاج مغالطی عرفی بودن اخلاقی سینوی را به دنبال دارد. با قطع نظر از خاستگاه هستی‌شناختی مسئله مورد نظر و با تمرکز بر مستندات معرفت‌شناختی برگرفته از آثار ابن‌سینا نیز فقدان اعتبار مطلق باورهای عرفی یا عرف به وضوح قابل استنتاج است. در دیدگاه واقع‌گرایانه ابن‌سینا، باورهای اخلاقی عرفی مطلق نیست و وابسته به خاستگاه و مبانی و مؤلفه‌های شکل دهنده آن دسته از باورهاست. از این رو در صورتی که برخاسته از مبانی یقین‌آور و مطابق با واقع باشد از بالاترین مراتب اعتبار معرفت‌شناختی برخوردار بود و در صورتی که برگرفته از مبانی ظن‌آور یا مشکوک باشد به همان میزان معتبر است. بنابراین از نظر وی در مواجهه با باورهای عرفی از فضایل و رذایل و معروف و منکر لازم است به جای مطلق‌انگاری چنین باورهایی به تفکیک باورهای معتبر از غیرمعتبر پرداخت و از اسناد باورهای غیرمعتبر به باورهای اخلاقی اصیل یا باورهای اسلامی خودداری کرد. روشن است تدقیق در چنین تفکیکی می‌تواند مانع تفسیر لیبرال و سکولار از اخلاق اصیل اسلامی به تقریر برجسته‌ترین اندیشمند اسلامی یعنی ابن‌سینا شود.

منابع

- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. رساله منطق دانش نامه علائی، تصحیح محمد معین و سید محمد مشکوة. تهران: دهخدا، ۱۳۵۳.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. «رسالة فی البر و الإثم»، در المذهب التروی عند ابن سینا من خلال فلسفته العملية، ابن سینا ، دراسه و تحلیل عبدالامیر ز. شمس الدین. بیروت: الشركة العالمية للكتاب، ۱۹۸۸ م.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. «رسالة فی علم الأخلاق» در المذهب التروی عند ابن سینا من خلال فلسفته العملية، ابن سینا ، دراسه و تحلیل عبدالامیر ز. شمس الدین. بیروت: الشركة العالمية للكتاب، ۱۹۸۸ م.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. «رسالة فی السعادة» در رسائل الشيخ الرئيس، ابن سینا. قم: انتشارات بیدار، بی تا.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. «رسالة فی أقسام العلوم العقلية» در المذهب التروی عند ابن سینا من خلال فلسفته العملية، ابن سینا ، دراسه و تحلیل عبدالامیر ز. شمس الدین. بیروت: الشركة العالمية للكتاب، ۱۹۸۸ م.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. «رسالة فی العهد» در تسع رسائل فی الحکمة و الطبیعیات، ابن سینا ، القاهرة: مطبعة هندیه، ۱۳۲۶ ق.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. الاشارات و التنبیها، للخواجه نصیرالدین الطوسی، فخرالدین الرازی. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي الکبری قدس سره، ۱۴۰۴ ق.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. الشفا (الهیات). قم: مكتبة آية الله المرعشي، بی تا.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. الشفاء: المنطق، القیاس، راجعه و قدم له ابراهیم مدکور؛ بتحقیق سعید زاید. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي الکبری قدس سره، ۱۳۴۳ ق.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. القصيدة المزدوجة فی المنطق. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي الکبری قدس سره، بی تا.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. المبدأ و المعاد. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. النجاة فی الحکمة المنطقية و الطبیعية و الالهية. قم: مكتبة المرتضوية، ۱۳۵۷ ق.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. النجاة من الغرق فی بحر الضلالات. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. رسالة فی ما تقرر عنده من الحکومة. بی جا: دار بیلیون، بی تا.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. رسائل اخرى لابن سینا (هامش شرح الهدایة الاثرية). بی جا، بی تا.
- ابن سینا ، حسین بن عبدالله. عیون الحکمة. بی جا: دارالقلم، بی تا.
- ابن فارس، ابی الحسین احمد. معجم مقاییس اللغة، بتحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دار الجبل، ۱۴۱۱ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر، ۱۳۰۰ ق.
- ازهری، محمد بن احمد. معجم تهذیب اللغة، تحقیق ریاض کی قاسم. بیروت: دار المعرفة، ۱۴۲۲ ق.
- اصفهانى، محمد حسین. نهاية الدراية فی شرح الکفاية، تحقیق رمضان قلی زاده مازندرانی، ج ۲. بی جا، بی تا.
- راغب اصفهانى، ابی القاسم حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. بی جا: دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ ق.
- سبزواری، ملاهادی. شرح الأسماء أو شرح دعاء الجوشن الکبیر، تحقیق نجفقلی حبیبی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. قم: دار الهمزة، ۱۴۰۵ ق.
- فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر. بیروت: مكتبة لبنان ناشرون، ۲۰۰۱ م.
- لاهیجی، عبدالرزاق. سرمایه ایمان، به کوشش صادق لاریجانی آملی. تهران: الزهراء، ۱۳۶۴.

محرر، تقی. «بررسی نسبت دیدگاه اخلاقی ابن‌سینا با واقع‌گرایی اخلاقی». معرفت ۲۰۱ (شهریور ۱۳۹۳): ۳۵-۴۵.

محیطی اردکان، حسن. «بررسی ادله قرآنی عرف‌گرایان اثباتی در قلمرو اخلاق». قرآن‌شناخت ۱۸ (بهار و تابستان ۱۳۹۶): ۸۹-۱۰۳.

محیطی اردکان، حسن. «توجیه گزاره‌های اخلاقی بر مبنای شهرت». معرفت اخلاقی ۱۷ (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ص ۵-۲۴.

محیطی اردکان، حسن. نقش عرف در ارزش اخلاقی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۷.

مصباح، مجتبی، عبدالله محمدی. مبانی اندیشه اسلامی (۱): معرفت‌شناسی (ویراست جدید). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۸.

مصباح یزدی، محمدتقی. شرح برهان شفا، تحقیق و نگارش محسن غرویان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.

مظفر، محمد رضا. اصول فقه، ج ۱. قم: المعارف السلامیه، ۱۴۱۶ ق.